

شیشلیک

- کارگردان:** محمدحسین مهدویان
- نویسنده:** امیرمهدی ژوله
- بازیگران:** رضا عطاران، پژمان جمشیدی، ژاله صامتی، وحید رهبانی، مه لقا باقری، عباس جمشیدی فرو جمشید هاشم پور
- خلاصه داستان:** بیکی از اهالی شهرکی در حاشیه تهران، تحت تأثیر شرایط خاصی که از سوی رئیس کارخانه‌ای برایش رقم خورده است، طغیان کرده، در جست‌وجوی رهایی خانواده‌اش برمی‌آید.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آزادی (شهر فرنگ، شهر قصه) ساعت ۱۴:۳۰، پردیس ایران مال (۸-۱-۲) ساعت ۱۸، پایتخت ۱ ساعت ۱۲، چارسو (۶-۵) ساعت ۱۲، راگا ۱ ساعت ۱۲، فرهنگ ۱ ساعت ۱۵، ماندانا ۱ ساعت ۱۸، صبا مال (۲-۱) ساعت ۱۵

زالاوا

- کارگردان:** ارسلان امیری
- نویسنده‌گان:** ارسلان امیری و آیدا پناهنده
- بازیگران:** هدی زین العابدین، نوید پورفرج، پوریا رحیمی سام، شاهو رستمی، واسط رضایی و فریدون حامدی
- خلاصه داستان:** زالاوا یکی‌ها ترسیده‌اند، نامیدانه از استوار، رئیس پاسگاه و مردی به نام آمردان کمک می‌خواهند تا شرایط روستایشان را بهبود بخشند.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آزادی (شهر فرنگ، شهر قصه) ساعت ۱۷:۳۰، پردیس ایران مال (۷-۴-۲) ساعت ۱۱:۳۰، پایتخت ۱ ساعت ۱۵، چارسو (۶-۵) ساعت ۱۵، راگا ۱ ساعت ۱۵، فرهنگ ۱ ساعت ۱۸، پردیس مگامال (۴-۳-۱-۲) ساعت ۱۲، صبا مال (۲-۱) ساعت ۱۸

مصلحت

- نویسنده و کارگردان:** حسین دارایی
- بازیگران:** فرهاد قائمیان، وحید رهبانی، مهدی حسینی نیا، مجید نوروزی، امیر نوروزی و نازنین فراهانی
- خلاصه داستان:** فرزند یکی از مقامات بلندپایه قضایی در سال ۱۳۵۹، ناخواسته در یک درگیری خیابانی، جوانی را به قتل می‌رساند.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آزادی (شهر هفتم، شهر هنر) ساعت ۱۱، پردیس ایران مال (۷-۴-۳) ساعت ۱۴:۳۰، پایتخت ۱ ساعت ۱۸، چارسو (۵-۶) ساعت ۱۸، راگا ۱ ساعت ۱۸، فرهنگ ۲ ساعت ۱۱:۳۰، پردیس مگامال (۴-۳-۲-۱) ساعت ۱۵، کارون ۱ ساعت ۱۵، نسیم (نسیم شهر) ساعت ۱۸

تک‌تیرانداز

- نویسنده و کارگردان:** علی غفاری
- بازیگران:** کامبیز دریا،ز، علیرضا کمالی، امیررضا دلاوری، عبدالرضا نصاری، حسین پوریده، حسین شریفی، اسماعیل خلیج، نوش معظمی و عبدالحلیم تقلی
- خلاصه داستان:** تک‌تیرانداز ایرانی تبدیل به کابوسی مرگبار برای افسران و فرماندهان ارتش یعنی شده. تا جایی که صدام شخصا جایزه‌ای برای سر او تعیین می‌کند.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آزادی (شهر هفتم، شهر هنر) ساعت ۱۴، پردیس ایران مال (۷-۴-۳) ساعت ۱۷:۳۰، دزاشیب ساعت ۱۲، پردیس زندگی (۲-۱-۲) ساعت ۱۲، فرهنگ ۲ ساعت ۱۴:۳۰، موزه سینما (سینما توگراف، فردوس) ساعت ۱۲، لوتوس (۲-۱) ساعت ۱۵، هنر (پیشوا) ساعت ۱۸ (شهر) ساعت ۱۵

رمانتیسیم عمادوطبا

- نویسنده و کارگردان:** کاوه صباغ زاده
- بازیگران:** حسام محمودی، الناز حبیبی، علی انصاریان، مرتضی علی عباس میرزایی، ستایش تارانی، سانیار رضایی و سام ولی پور
- خلاصه داستان:** وقتی سرنوشت برای اولین بار عماد و طوبا را رویه روی هم قرار داد هر دو خوب می‌دانستند که عشق بیشتر یک مهارت است، تا هیجان و تپش قلب و خارش پوست.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آزادی (شهر هفتم، شهر هنر) ساعت ۱۷، بهمن (۲-۱-۲) ساعت ۱۲، دزاشیب ساعت ۱۵، پردیس زندگی (۲-۱) ساعت ۱۵، فرهنگ ۲ ساعت ۱۷:۳۰، موزه سینما (سینما توگراف، فردوس) ساعت ۱۲، لوتوس (۲-۱) ساعت ۱۵، هنر (پیشوا) ساعت ۱۸

یدو

- کارگردان:** مهدی جعفری
- نویسنده:** مهدی جعفری و مهین عباس زاده
- بازیگران:** ستاره پسیانی، میلاد صولیوی، محمدمهدی آل‌بوعلی، ریحانه آریامنتش، اکبر اودود، رضا نوری، سعید آل‌بوعبادی و آرمان آسایش
- خلاصه داستان:** در زمان محاصره آبادان، پسر نوجوان یک خانواده تصمیم می‌گیرد تا مادر، خواهر و برادر کوچکتر خود را از شهر خارج کند و خود برای دفاع به دیگر رزمندگان ملحق شود.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آستارا ۱ ساعت ۱۲، بهمن (۲-۱) ساعت ۱۵، دزاشیب ساعت ۱۸، پردیس زندگی (۲-۱) ساعت ۱۸، فلسطین ۱ ساعت ۱۲، موزه سینما (سینما توگراف، فردوس) ساعت ۱۵، لوتوس (۲-۱) ساعت ۱۸، هنر (پیشوا) ساعت ۱۵

تی‌تی

- کارگردان:** آیدا پناهنده
- نویسنده‌گان:** آیدا پناهنده و ارسلان امیری
- بازیگران:** الناز شاکر دوست، پارسا پیروزفر و هوتن شکبیا
- خلاصه داستان:** ابراهیم، استاد فیزیک دانشگاه در آستانه مرگ با زنی روستایی آشنا می‌شود به‌طوری‌که، زندگی و مرگ ابراهیم را از نو معنایی‌کند.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آستارا ۱ ساعت ۱۵، بهمن (۲-۱) ساعت ۱۸، سپیده ساعت ۱۲، فلسطین ۱ ساعت ۱۵، موزه سینما (سینما توگراف، فردوس) ساعت ۱۸، هدیش مال (۳-۱-۲) ساعت ۱۲

گیجگاه

- کارگردان:** عادل تبریزی
- نویسنده:** ارسلان امیری و عادل تبریزی
- بازیگران:** جمشید هاشم‌پور، حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، فرهاد آئیش، بهرنگ علوی، امیرحسین رستمی، یژن بنفشه‌خواه، نادر سلیمانی، محمد الهی، مریم مهتیان، ایمان اسماعیل‌پور، حسن رضایی و رضا صافی
- خلاصه داستان:** مهتاب به همراه پسر ۱۰ ساله‌اش زندگی می‌کند. آشنایی آن‌ها با حسن خشنود مسیر زندگی‌شان را عوض می‌کند.
- سینماهای نمایش‌دهنده:** آستارا ۱ ساعت ۱۸، تماشا ۱ ساعت ۱۲، سپیده ساعت ۱۵، فلسطین ۱ ساعت ۱۸، پردیس کوروش (گراند سینما، لاله زار، خورشید) ساعت ۱۱:۳۰، هدیش مال (۱-۳) ساعت ۱۵، ارگ تجریش (۲-۱-۱) ساعت ۱۵

گفت‌وگو

- در جامعه‌ای که آدم‌ها حتی در حوزه‌های فرهنگی هنری خیلی سخت‌کار مشترک انجام می‌دهند شاید اولین پرسش برای مخاطب این باشد که فصل مشترک این همکاری یعنی فیلمنامه‌نویسی که رکن اساسی یک اثر برای تبدیل شدن به موفقیت بعدی است چگونه شکل گرفت.**

محسن قرایی (کارگردان و فیلمنامه‌نویس): اولین قاعده این بود که زمان‌بندی مشخصی برای پایان کار نداشته باشیم. مینا را بر این گذاشتیم که هر وقت فیلمنامه به‌شکل کامل و درست سروشکل گرفت آن وقت وارد تولید شویم. یافتن سرمایه‌گذار و تعیین تاریخ مشخص برای شروع کار، بزرگترین لطمه را به فیلمنامه می‌زند. قید زمان را برداشتیم و فارغ از تولید، تصمیم گرفتیم یک اثر مستقل کم نقص و از هر لحاظ محکم بنویسیم. چه بسا که شاید اصلا ساخته نشود. من و محمد اختلاف‌نظر هم زیاد داریم اما نکته‌ای که ما را به هم نزدیک می‌کند اتفاق نظر روی نقاط بسیار کلیدی در کار گروهی است.

- این اتفاق نظر از رفاقت ریشه‌ای شکل گرفته است؟**

قرایی: بله، اما تبدیل به تعارف و گذشت و عبور از یکسری مسائل نشده است. شاید در جاهایی خارج از فضای کار عبور کنیم اما وقتی پای فیلمنامه وسط است با هم می‌جنگیم. آنقدر می‌جنگیم تا آن یکی قانع شود یا ایده‌هایی از هم بگیریم و تجمیع آنها چیزی شود که از نظر جفت‌مان درست است.

- آقای قرایی می‌گویند مرحله بعدی یعنی تولید خیلی هم برایتان الزام‌آور نیست و اگر ببینید فیلمنامه به نقطه اقناع شونده رسیده چه بسا پیشنهاد ساخت آن را به فرد دیگری بدهید که «قصر شیرین» (رضا میرکریمی) شود. تا چه میزان اقتضائات اثر مکتوب تصمیم برای مرحله بعد را مشخص می‌کند؟ ممکن است با تعصب بیش از حد، این ضرورت احساس شود که مرحله کارگردانی هم باید از ناحیه خود محسن باشد.**

محمد داوودی (فیلمنامه‌نویس): به‌نظر من کارگردانی که برای فیلمنامه وقت و انرژی می‌گذارد پیش از شروع تولید برنده است. کارگردانی از پس ساخت فیلمنامه بر می‌آید یا به صبور ی با متن همراه می‌شود، متن جزئی از زیستش می‌شود و لایه‌های آن را پیدا می‌کند. منظور از یافتن لایه چیز شگفت‌انگیز عجیب و غریب نیست. گاهی ممکن است رسیدن به یک دیالوگ ماه‌ها طول بکشد اگر وقت نگذاری، صوری نکنی، آن دیالوگ وجود ندارد و یک لایه از فیلمنامه کم شده است. برخی انتظار دارند در نسخه اولیه فیلمنامه و ظرف چند هفته اتفاقی شگفت‌انگیز بیفتد اما به قول معروف هنر مزه‌چین نیست که اسمال یک تن محصول برداشت کنی و سال بعد انتظار همین‌قدر محصول را داشته باشی. ممکن است یک متن ظرف دو ماه به نتیجه دلخواه برسد می‌توان از «صد سال تنهایی» و روایت‌های عجیب از داستان‌نویسی و خراف و داستایوفسکی مثال آورد. من این موضوع را کتمان نمی‌کنم ولی روند معقول و معمولش این است که برای پخته شدن متن صوری کنیم. مثل دم آمدن چای و برنج است. باید وقتش برسد. با زیاد کردن شعله گاز غذا زودتر پخته نمی‌شود، می‌سوزد. حسن کار با محسن این است که علاوه بر کارگردانی، دست به قلم و نویسنده هم هست. این درایت را دارد که فیلمنامه‌نویسی، ماجرای یکی، دو روز و یکی، دو هفته نیست. نسخه اولیه «بی‌همه چیز» که آماده شد چند ماه کنار گذاشتیمش. تا زمانی که به این نتیجه نرسیدیم که تمام شده و همانی شده که می‌خواستیم این فشار روانی مدام همراه ما بود. من که همیشه قبل از تولید صحنه‌های فیلمنامه‌هایم را خواب می‌بینم. خوبی کار با کارگردان فیلمنامه‌نویس این است که چه خرم کار رویداد و پنهان آن دستش می‌آید و چند دور فیلم را در ذهنش می‌سازد و با دست پر سر به صحنه می‌رود.

- در شرایط نه چندان قاعده‌مند سینمای ما برای افرادی مثل شما چند پارامکان فراهم شدن این شرایط مطلوب است که فرصت کافی برای پرداختن به رکن اصلی اثر سینمایی داشته باشید و تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار هم همراه شوند تا اتفاق ایده‌آل رقم بخورد. به‌نظر می‌رسد با یک استستنا در برابر قواعد ناکارآمد مواجه هستیم. این را چطور برای خودتان فراهم می‌کنید.**

قرایی: در فیلمسازی دو مسیر دارید؛ اینکه کار کنید یا اینکه کاری را که دوست دارید، انجام بدهید. این یک انتخاب است. انتخاب من این بوده که از سال ۹۰ تا ۱۴۰۰ ۳ تنها فیلم بسازم در حالی که در این ۱۰ سال می‌شد ۷ فیلم بسازم. وقتی هر ۴ سال یک فیلم می‌سازید به این معناست که فرصت بیشتری پای آن کار می‌گذارید. بیشتر فکر می‌کنید و البته امکاناتی را هم از دست می‌دهید. به من پیشنهاد‌های زیاد فیلم‌های‌اشد و سفارش فیلمنامه زیادی هم برای ساخت داشتم اما آنی نبود که باید. اینها هزینه‌هایی است که برای داشتن حق

- شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹
- سال بیست و هفتم
- شماره ۷۵۶۰

درگس عاشوری خبرنگار

محسن قرایی در اولین تجربه‌بلندسینمایی اش «خسته نباشید» را همراه با افسین هاشمی کارگردانی کرد. پس از ۴ سال فیلم دومش «سد معبر» را براساس فیلمنامه‌ای از سعیدروستایی جلوی دوربین برد. این فیلم درسی‌وینچمن جشنواره فیلم فجر حضور موفق داشت‌و در چهار بخش بازیگر مکمل مرد و زن، بهترین فیلمنامه و بهترین تدوین نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد. قرایی بعداز «سد معبر» روی فیلمنامه‌نویسی متمرکز شد و همراه با محمد داوودی «قصر شیرین» رضامیرکریمی را نوشت. او این فیلم موفق به دریافت جایزه بهترین فیلمنامه‌از سی وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر شد. دوسال پس از این اتفاق قرایی در همکاری بعدی با محمد داوودی فیلمنامه «بی‌همه چیز» را با اقتباس از «ملاقات بانوی سالخورده» فریدریش درونمات نوشت. فیلم‌امسال با حضور ستاره‌هایی چون هدیه تهرانی و پرویز پرستویی جلوی دوربین رفت و در فهرست کنجکاو ی پراکنیزهای این دوره از جشنواره قرار گرفت. باران کوثری، هادی حجازی‌فر، مهتاب نصیرپور، پدram شریفی، بابک کریمی، فرید سجادی حسینی و... از دیگر نقش‌آفرینان این فیلم پرایزگر هستند. البته قرار بود شهاب حسینی و علی مصفا نیز در این فیلم حضور داشته باشند. شهاب حسینی در چند سکانس حضور یافت اما در ادامه انصراف داد و هادی حجازی‌فر جایگزین او شد. علی مصفا نیز به‌دلیل تغییر زمان‌بندی ساخت از «بی‌همه چیز» جدا شد و پدram شریفی جای او را گرفت. جواد طوسی منتقد سینما در گفت‌وویی با محسن قرایی و محمد داوودی درباره این همکاری مشترک در نگارش فیلمنامه و همچنین برداشت‌های فرامتنی و جامعه‌شناسی از این فیلم صحبت کرده است.

محمد داوودی (فیلمنامه‌نویس): به‌نظر من کارگردانی که برای فیلمنامه وقت و انرژی می‌گذارد پیش از شروع تولید برنده است. کارگردانی از پس ساخت فیلمنامه بر می‌آید یا به صبور ی با متن همراه می‌شود، متن جزئی از زیستش می‌شود و لایه‌های آن را پیدا می‌کند. منظور از یافتن لایه چیز شگفت‌انگیز عجیب و غریب نیست. گاهی ممکن است رسیدن به یک دیالوگ ماه‌ها طول بکشد اگر وقت نگذاری، صوری نکنی، آن دیالوگ وجود ندارد و یک لایه از فیلمنامه کم شده است. برخی انتظار دارند در نسخه اولیه فیلمنامه و ظرف چند هفته اتفاقی شگفت‌انگیز بیفتد اما به قول معروف هنر مزه‌چین نیست که اسمال یک تن محصول برداشت کنی و سال بعد انتظار همین‌قدر محصول را داشته باشی. ممکن است یک متن ظرف دو ماه به نتیجه دلخواه برسد می‌توان از «صد سال تنهایی» و روایت‌های عجیب از داستان‌نویسی و خراف و داستایوفسکی مثال آورد. من این موضوع را کتمان نمی‌کنم ولی روند معقول و معمولش این است که برای پخته شدن متن صوری کنیم. مثل دم آمدن چای و برنج است. باید وقتش برسد. با زیاد کردن شعله گاز غذا زودتر پخته نمی‌شود، می‌سوزد. حسن کار با محسن این است که علاوه بر کارگردانی، دست به قلم و نویسنده هم هست. این درایت را دارد که فیلمنامه‌نویسی، ماجرای یکی، دو روز و یکی، دو هفته نیست. نسخه اولیه «بی‌همه چیز» که آماده شد چند ماه کنار گذاشتیمش. تا زمانی که به این نتیجه نرسیدیم که تمام شده و همانی شده که می‌خواستیم این فشار روانی مدام همراه ما بود. من که همیشه قبل از تولید صحنه‌های فیلمنامه‌هایم را خواب می‌بینم. خوبی کار با کارگردان فیلمنامه‌نویس این است که چه خرم کار رویداد و پنهان آن دستش می‌آید و چند دور فیلم را در ذهنش می‌سازد و با دست پر سر به صحنه می‌رود.

انتخاب پرداخت می‌کنید.
■ چه چیز شما را از مهتدسی معدن به‌سمت سینما سوق داد.
قرایی: نمی‌دانستم می‌خواهم چه کاره شوم اما می‌دانستم که چیزی درونم هست که باید پیدا کنم. در دوران دانشجویی زمینه‌های مختلفی را از نقاشی و خطاطی تا موسیقی و... کار کردم، در نهایت قلابم به سینما گیر کرد. قرابت شخصیتی و نسبت به سینما را حس کردم. اینکه هدفم کارگردانی باشد مشخص نبود فقط علاقه‌مند بودم به

محسن قرایی:

در فیلمسازی دو مسیر دارید؛ اینکه کار کنید یا اینکه کاری را که دوست دارید، انجام بدهید.

این یک انتخاب است. انتخاب من این بوده که از سال ۹۰ تا ۱۴۰۰ ۳ تنها فیلم بسازم در حالی که در این ۱۰ سال می‌شد ۷ فیلم بسازم. وقتی هر ۴ سال یک فیلم می‌سازید به این معناست که فرصت بیشتری پای آن کار می‌گذارید. بیشتر فکر می‌کنید و البته امکاناتی را هم از دست می‌دهید. به من پیشنهاد‌های زیاد فیلمنامه‌ای شد و سفارش فیلمنامه زیادی هم برای ساخت داشتم اما آنی نبود که باید. اینها هزینه‌هایی است باید. اینها هزینه‌هایی است که برای داشتن حق انتخاب پرداخت می‌کنید

سینما وارد شوم. اصلاً رویاهای بزرگی در سر نداشتم در زندگی همیشه اینگونه بوده‌ام.
■ دو همکاری مشترک تان «قصر شیرین» و «بی‌همه چیز» ویژگی‌های مشترکی دارد. اگر چه دومی اقتباس نمایشی است اما در عین حال هر دو در نگاه به ساخت انسانی کنتراست دارند. آدم‌ها مسیر را شروع می‌کنند و در این مسیر من بیننده و روضعیّت دگرگون شده قرار می‌گیرم. شخصیت

- شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹
- سال بیست و هفتم
- شماره ۷۵۶۰

درگس عاشوری خبرنگار

محسن قرایی در اولین تجربه‌بلندسینمایی اش «خسته نباشید» را همراه با افسین هاشمی کارگردانی کرد. پس از ۴ سال فیلم دومش «سد معبر» را براساس فیلمنامه‌ای از سعیدروستایی جلوی دوربین برد. این فیلم درسی‌وینچمن جشنواره فیلم فجر حضور موفق داشت‌و در چهار بخش بازیگر مکمل مرد و زن، بهترین فیلمنامه و بهترین تدوین نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد. قرایی بعداز «سد معبر» روی فیلمنامه‌نویسی متمرکز شد و همراه با محمد داوودی «قصر شیرین» رضامیرکریمی را نوشت. او این فیلم موفق به دریافت جایزه بهترین فیلمنامه‌از سی وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر شد. دوسال پس از این اتفاق قرایی در همکاری بعدی با محمد داوودی فیلمنامه «بی‌همه چیز» را با اقتباس از «ملاقات بانوی سالخورده» فریدریش درونمات نوشت. فیلم‌امسال با حضور ستاره‌هایی چون هدیه تهرانی و پرویز پرستویی جلوی دوربین رفت و در فهرست کنجکاو ی پراکنیزهای این دوره از جشنواره قرار گرفت. باران کوثری، هادی حجازی‌فر، مهتاب نصیرپور، پدram شریفی، بابک کریمی، فرید سجادی حسینی و... از دیگر نقش‌آفرینان این فیلم پرایزگر هستند. البته قرار بود شهاب حسینی و علی مصفا نیز در این فیلم حضور داشته باشند. شهاب حسینی در چند سکانس حضور یافت اما در ادامه انصراف داد و هادی حجازی‌فر جایگزین او شد. علی مصفا نیز به‌دلیل تغییر زمان‌بندی ساخت از «بی‌همه چیز» جدا شد و پدram شریفی جای او را گرفت. جواد طوسی منتقد سینما در گفت‌وویی با محسن قرایی و محمد داوودی درباره این همکاری مشترک در نگارش فیلمنامه و همچنین برداشت‌های فرامتنی و جامعه‌شناسی از این فیلم صحبت کرده است.

محمد داوودی (فیلمنامه‌نویس): به‌نظر من کارگردانی که برای فیلمنامه وقت و انرژی می‌گذارد پیش از شروع تولید برنده است. کارگردانی از پس ساخت فیلمنامه بر می‌آید یا به صبور ی با متن همراه می‌شود، متن جزئی از زیستش می‌شود و لایه‌های آن را پیدا می‌کند. منظور از یافتن لایه چیز شگفت‌انگیز عجیب و غریب نیست. گاهی ممکن است رسیدن به یک دیالوگ ماه‌ها طول بکشد اگر وقت نگذاری، صوری نکنی، آن دیالوگ وجود ندارد و یک لایه از فیلمنامه کم شده است. برخی انتظار دارند در نسخه اولیه فیلمنامه و ظرف چند هفته اتفاقی شگفت‌انگیز بیفتد اما به قول معروف هنر مزه‌چین نیست که اسمال یک تن محصول برداشت کنی و سال بعد انتظار همین‌قدر محصول را داشته باشی. ممکن است یک متن ظرف دو ماه به نتیجه دلخواه برسد می‌توان از «صد سال تنهایی» و روایت‌های عجیب از داستان‌نویسی و خراف و داستایوفسکی مثال آورد. من این موضوع را کتمان نمی‌کنم ولی روند معقول و معمولش این است که برای پخته شدن متن صوری کنیم. مثل دم آمدن چای و برنج است. باید وقتش برسد. با زیاد کردن شعله گاز غذا زودتر پخته نمی‌شود، می‌سوزد. حسن کار با محسن این است که علاوه بر کارگردانی، دست به قلم و نویسنده هم هست. این درایت را دارد که فیلمنامه‌نویسی، ماجرای یکی، دو روز و یکی، دو هفته نیست. نسخه اولیه «بی‌همه چیز» که آماده شد چند ماه کنار گذاشتیمش. تا زمانی که به این نتیجه نرسیدیم که تمام شده و همانی شده که می‌خواستیم این فشار روانی مدام همراه ما بود. من که همیشه قبل از تولید صحنه‌های فیلمنامه‌هایم را خواب می‌بینم. خوبی کار با کارگردان فیلمنامه‌نویس این است که چه خرم کار رویداد و پنهان آن دستش می‌آید و چند دور فیلم را در ذهنش می‌سازد و با دست پر سر به صحنه می‌رود.

انتخاب پرداخت می‌کنید.
■ چه چیز شما را از مهتدسی معدن به‌سمت سینما سوق داد.
قرایی: نمی‌دانستم می‌خواهم چه کاره شوم اما می‌دانستم که چیزی درونم هست که باید پیدا کنم. در دوران دانشجویی زمینه‌های مختلفی را از نقاشی و خطاطی تا موسیقی و... کار کردم، در نهایت قلابم به سینما گیر کرد. قرابت شخصیتی و نسبت به سینما را حس کردم. اینکه هدفم کارگردانی باشد مشخص نبود فقط علاقه‌مند بودم به

به مرگ. شباهت فیلمنامه «قصر شیرین» با این فیلم همین است. در کاراکتر اصلی هر دو فیلم یک بیماری وجود دارد که از گذشته آغاز شده و وارد بدن این دو کاراکتر شده است. ما از جایی وارد قصه می‌شویم که می‌خواهیم ببینیم این ویروس با بدن آنها چه می‌کند. شرایط روحی کاراکترها را دچار بحران می‌کند در «قصر شیرین» به‌سمت درمان می‌بریمش یا دست‌کم مسیر درمان باز می‌شود اما در «بی‌همه چیز» ویروس کمی مهلک‌تر است و درمانش سخت‌تر.
■ گذشته، از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فلسفی، طبقه‌بندی کرده و رشوه‌ای که است. فارغ از این مباحث در «قصر شیرین» گذشته و حال را در دل روزمرگی، خیلی ساده و دست‌یافتنی تر دیدید اما در «بی‌همه چیز» شرایط متفاوت است. همین اسم دورنما- آدمی با آن تشخیص درام‌نویسی که می‌تواند کم‌دی متمایل به هجو را به تراژدی سوق دهد که از نمونه شاخصش «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» یا «فیزیکدان‌ها» و... است- به‌شکل احتجاب‌ناپذیر در میان ما بدو امر شما را با چالش مواجه می‌کند. چگونه این ریسک‌پذیری را به نقطه توافق تبدیل کردید که چنین متنی هر چقدر هم شق‌القدر کم‌دی بومی و باورپذیری آن برای همین اشتراکات و اینکه ارزش اولیه این کاراکترها چیست و ارزش ثانویه و اتفاقی که ممکن است این ارزش‌ها را تغییر بدد کدام است خیلی گفت‌وگو کردیم. این ساختار مثل بنای یک ساختمان هر چقدر شکیل باشد اگر زیربنایش که روی معنا، عواطف، احساسات و هیجان‌ها سوار است به قاعده نباشد مکانیکی به نظر می‌رسد.

با مرای این معنا، احساس و ارزش‌های بنیادین ساعت‌ها گفت‌وگو می‌کنیم. یکی از مزیت‌های نگارش مشترک همین فرصت گفت‌وگوست. همدیگر را به چالش می‌کشیم، نقد می‌کنیم و یک سکانس چند بار نوشته می‌شود. با وجود تمام تفاوت‌های تجربه یاد بگیرم و آموخته‌هایم را وارد کار بعدی کنم. بر این مینا سراغ داستان‌هایی می‌روم که با سلیقه کلی من همخوانی دارند و به جهان بینی من نزدیک است اما در عین حال به معنای کلاسیکیش در راستای هم نیستند.

- در سینمای ما تجربه‌های برگردان یک اقتباس ادبی و نمایشی خیلی هم موفق نبوده است. هر چقدر هم حدیث نفسی برخورد کنید و دغدغه‌تان مخاطب عام نباشد، بالاخره باید قواعد بازی را رعایت کنید؛ اینکه**

محسن قرایی و محمد داوودی در گفت‌وگو با جواد طوسی از «بی‌همه چیز» گفته‌اند

جراحی بر جان‌مان نشسته که

این فیلم در نمایش عمومی قدر می‌تواند

بردار تباطی منطقی داشته باشد، مهم است. قرایی: از همان لحظه که متن را برای اقتباس به داوودی پیشنهاد دادم و البته تا انتها هم مشخص نبود که قرار است چقدر به متن اصلی وفادار باشیم، می‌دانستیم که دست روی چه نمایشنامه سختی گذاشتیم. خبر داشتیم که وارد زمین بازی‌ای شدیم که از همان ابتدا ۵ هیج عقب هستیم. یعنی اگر ۵ گل به ثمر برسیم تازه بازی را به تساوی کشیده‌ایم.

- یعنی در همان ابتدای امر باید حداقل ۵ گل می‌زدید.**

قرایی: بله با علم به اینکه داریم بر متنی تکیه می‌کنیم که آنقدر بزرگ است که ممکن است سایه‌اش ما را کاملاً سیاه کند، فکر کردیم می‌شود از سایه بیرون آمد و با تمهیداتی در فیلمنامه و اجرا به فضا شکل و رنگی داد که برای مخاطب قابل قبول باشد و باور کند در گوشه‌ای از این مملکت، در سالی که نمی‌دانیم چند است و در مکانی که نمی‌دانیم کجاست شاید این قصه اتفاق بیفتد.

■ فلاش بک اجرای نمایش این متن دورنمات هم پر فراز و نشیب است. از سمندران سال ۵۱ و جمیله شیخ و اکبر زنجانی‌پور می‌رسیم به سال ۸۶ و ختم خیراندیش و دهکردی. سال ۸۸ پارسا پیروزفر سراغ این نمایش رفته و «ملاقات» را روی صحنه می‌برد و البته هادی حجازی‌فر که اجرای عروسی آن را روی صحنه برده است. برای تئاتر خیلی درست است اما این دورنمات و سینمایی کردنش چه کار سختی است.

قرایی: یک تجربه بشدت شکست خورده سینمایی هم وجود دارد به‌نام «ویزیت» اینگرید برگمن بازی کرده‌اند. خود آنتونی کوپین حق اقتباس را از دورنمات خرید اما شکست متضخانه‌ای خورد. با وجود اینکه متن دارای مفاهیم بشدت اخلاقی و انسانی است و می‌شود در سینما کار کرد، دیگر کسی به‌شکل سرراست و مستقیم در سینمای حال به معنای کلاسیکیش در راستای هم نیستند.

- آقای داوودی راجع به سختی بومی کردن و اینجایی کردن فضابیشتر توضیح می‌دهید.** داوودی: اجرای نمایشی این متن کار سخت و دشواری است؛ تبدیل کردنش به فیلم در ایران پرماجراتر. متن نمایشنامه «ملاقات» برای تئاتر خیلی درست است اما این قضیه راجع به هر متن، رمان، خاطره یا